

غزل شماره ۱۵۳

سحرچون خسرو خاور علم بر کوهساران زد
به دستِ مرحمت یارم در امیدواران زد

چو پیش صبح روشن شد که حالِ مهرگردون چیست
برآمد خنده‌ای خوش بر غرورِ کاکاران زد

سگارم دوش در مجلس به غزمِ رقص چون برخاست
گره بکشد از ابرو و بردل‌های یاران زد

من از رنگِ صلاح آن دم به خونِ دل بشتم دست
که چشم باده پمایش صلا بر هوشیاران زد

کدام آهن دلش آموخت این آیین عیاری
کز اول چون برون آمد ره شب زنده داران زد

خیال شسواری پخت و شد ناکه دل مسکین
خداوندانکه دارش که بر قلب سواران زد

در آب و رنگ رخسارش چه جان دادیم و خون خوردیم
چو نقشش دست داد اول، رقم بر جان سپاران زد

مش با خرقة پشمین کجا اندر کند آرم
ز ره مویی که مژگانش ره حمرکز ان زد

نظر بر قرعه توفیق و یمن دولت شاه است
بده کام دل حافظ که فال بختیار ان زد

شهنشاه مظفر فر شجاع ملک و دین منصور
که جو دبی در یغش خنده بر ابر بهار ان زد


از آن ساعت که جام می به دست او مُشرف شد
زمانه ساغر شادی به یاد میکسار ان زد

ز شمیر سراقش نظر آن روز بد رخید
که چون خورشید انجم سوزتها بر حراران زد

دوام عمر و ملک او بخواه از لطف حق ای دل
که چرخ این سکه دولت به دور روزگاران زد

تفسیر فال

مثل کوه استوار باش و بر پای خود بایست، زیرا در این لحظات با ارزش، صبح صادق در حال دمیدن است. این نور اولیه روز، نویدبخش امید و روشنی است و تو در همین صبح دل‌انگیز به آرزوهای خویش می‌رسی. این فال برای تو بشارت‌دهنده دولت و سعادت و مقام والا در زندگی‌ات به طور همزمان است. اما باید مراقب باشی؛ نگذار زمانی که به تمام حاجاتت رسیدی، خداوند را فراموش کنی و منش و اخلاق نیکویت دستخوش تغییر



قرار گیرد. چرا که در آن صورت، خداوند قادر خواهد بود همه چیز را از تو بگیرد و تو را با عواقب ناشایست رفتار خود مواجه سازد. پس همواره به یاد داشته باش که شکرگزاری و حفظ ارتباط با خداوند باید اولویت نخست تو باشد تا از نعمات او بهره‌مند گردی.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)